

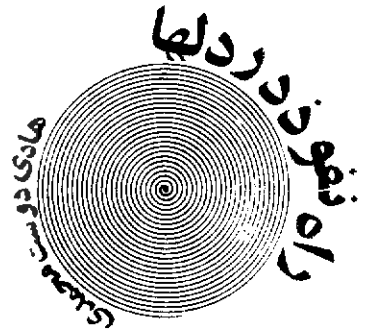
«خدای جهان دوستان اولیاء خود را در میان بندگانش پنهان داشته است پس متوجه باشید که هیچکس از بندگان خدا را کوچک نشمارید، زیرا چه بسا همانرا که تحقیر نموده کوچک شمرده‌اید از اولیاء خدا باشد و شما آگاه نباشید.»

علی (ع) (۱)

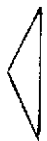
«... من با پدرم بقدری بهم علاقمند بودیم که نمیتوانستیم جدائی یکدیگر را تحمل نمائیم ... تا اینکه مادرم با گزارشهای پی درپی پدرم را از من منزجر کرد، از آنروز من همیشه به باد ملامت و سرزنش پدر و مادرم گرفتار هستم، آنقدر مرا سرزنش میکنند که چندین بار تصمیم گرفته‌ام خود کشی کنم. ولی چون متوجه شدم که این کار در دین اسلام ممنوع و حرام است از این عمل زشت خودداری کردم و از خدا کمک خواهم. و چون مشتريك این مجله هستم درصدد برآمدم که از شما بخواهم مرا راهنمایی کنید ... دیگر جانم بلب رسیده و از سرزنشهای پدر و مادرم به تنگ آمده‌ام آرزوی مرگ میکنم نمیدانم آن علاقه و محبت‌های ما چه شده؟ کجا رفت ...»

کلمات غم انگیز بالا قسمتی از نامه یکی از خوانندگان است که به (۱) بحار الانوار ج ۸۵ کتاب

الغره ص ۱۷۵



آنچه مردم را از شما متنفر میکند



در صورتی که اگر درست موضوع را

بررسی کنیم و تدری بیاندیشیم خواهیم دید که نه جای عصبانیت بوده و نه سرزنش و ملامت کار عقلانی بوده است .

بدیهی است که کودک درباره آینده خود فکر نمیکند که در تحصیل و انجام تکالیف درس خود کوشش بیشتری نماید بعلاوه معلومات او مثلاً درباره چگونگی ظرفهای شکستنی و غیر شکستنی طریقه نگهداری لباسها ناقص است و لیز خوردن ظرف و افتادن و شکستن و . . . را در درست درک نمی کند ، تازه اگر هم درک کند تجربه علمی کافی روی آن ندارد و از همه اینها گذشته قدرت جسمی او ناچیز است .

اگر مادر هر قسمتی از او وارد تریم بجهت تجربه ها و آزمایشهای فراوان دوران کودکی ما بوده است زیرا دوران کودکی سراسر دوران آزمایش و اندوختن معلومات در باره محیطی که انسان هیچ شباهتی با آن ندارد ، می باشد .

اگر ما خود را بجای آن کودک با همان معلومات نا چیز و ورزیدگی نا چیز تر فرض کنیم خواهیم دید که بسیاری از کارهایی که از نظر ما گناه و جرم بزرگی محسوب میشود نه جرم است و نه گناه ! و بعلاوه چه بسا خواهیم دید که حتی نمره های درسی او از نمره های دوران کودکی ما بهتر است و !

دفتر مجله رسیده است .

راستی به گفته او ، آن همه محبت های پدر و فرزندی و علاقه مفراطی که معمولاً دختر نسبت به پدر و مادرش ابراز میدارد چه شد ؟ چگونه آن عشق و علاقه ، به تنفر و انزجار و خشم تبدیل گشت ؟ !

آری هر جا که ملامت و سر - زنی و مسخره و استهزاء راه یابد ، مهر و محبت ؛ دوستی و صمیمیت رخت پر بسته نفرت و خشم جایگزین آن میگردد !

* * *

توجه داشته باشید که حدای جهان ، همه را یکسان نیافریده است !

اگر ما به این موضوع بخوبی دقت کنیم که مردم از نظر جزئیات مربوط به آفرینش جسم و جان و روحیات و عواطف ، تفاوت دارند روش تربیت ، مقدار معلومات ، سوابق ذهنی و محیط زیست آنارو . . . یکسان نیست بسیاری از مشکلات اجتماعی و بسر خوردهای معاشرتی ماحل خواهد شد و هرگز کسی را ملامت و سرزنش نمیکنیم .

مثلاً بسیار دیده ایم که پدران و مادران از يك رفتار نا بجای کودک مانند انجام ندادن تکالیف درسی ، شکستن یک ظرف یا کثیف کردن لباس ، ناراحت میشوند و کودک را بیاد ملامت می گیرند .

احداً - اگر مردم میدانستند که خدا

افراد را چگونه آفریده هر گز کسی

دیگری را ملامت نمیکرد. (۱)

سرزنش زبانبار است

همین ملامتهای جزئی و کوچک که

بنظرمان بسیار بی اهمیت می آید برای

طرف بیش از حد گران تمام میشود ،

سرزنش و ملامت جرقه‌ای است

که به خرمن کبر و غرور خود-

دوستی دیگری می نشیند و ممکن

قرار دهیم و اندازه مملووات شان را به

آن ضمیمه کنیم خواهیم دید که اگر ما هم

حریق و نیستی سازد .

بسیاری از افراد متوجه نیستند

اشتباه نشود مقصود نگارنده این که در حال مسخره کردن دیگران ،

نیست که همه مردم در همه اعمال خود سلاحی را که خود تهیه کرده اند به دست

بی تقصیر هستند و تربیت اثر نخواهد طرف میدهند و از این راه به نا بودی

داشت و باید مردم را بحال خود گذاشت خود اقدام میکنند .

که هر کاری خواستند انجام دهند ! علی بن عباس معروف به ابن الرومی ،

بلکه منظور این است که اگر به این شاعر معروف هجوگو و مدیحه سرای

واقعیت توجه داشته باشیم هر گز کسی را دوره عباسی ، همیشه بقدرت منطق و بیان

مسخره نمیکنیم انسانی را بیاد ملامت و شمشیر زبان خویش مغرور بود ، همه

سرزنش نمیگیریم که در نتیجه هم به از زخم زبان و سرزنشها و مسخره های

شخصیت و حس خود دوستی او لطمه بزنیم او بیم داشتند در مجلسی که می نشست

و هم محبوبیت خود را از دست داده با حتی مقامات ذی نفوذ هم از او می-

دست خود دشمن برای خود درست هراسیدند که از آن جمله قاسم بن عبیدالله

وزیر و المعتضد عباسی ، بود ، قاسم که

نمائیم .

نظر اسلام این واقعیت را تایید می . گاهی مورد تمسخر و نیشهای زبان این

کند : آنجا که می فرماید : لو علم الرومی قرار می گرفت و حس نفرت و

الناس کیف خلق الله الخلق لم یلم احد

کینه توزی او تحریک گشته بود تصمیم

(۱) روضه کافی ۱۷۷

داشت کیفری سخت به او بدهد

ظاهر خود را دوستی نزدیک به او

میداد تاروزی که سفره رنگینی

پذیرائی از شاعر گسترده بود ، مع

دستور داد غذای ابن الرومی را

کردند بعد از اینکه غذا را -

متوجه سرانجام اعمال خود گشت

ازجا برخاست که برود قاسم گفت

- کجایم روی؟

- بهمانجاکه مرا فرستادی

- پس سلام را بیدرم برسان

- من از راه جهنم نمیروم

ابن الرومی بخانه خویش

و بمعاینه پرداخت ولی فایده نیخ

سرانجام با شمشیر زبان ملامتبار

ازپای درآمد (۱)

هر گز از کسی بی جهت بد

نکنید ، هیچکس را ملامت و سر

نمائید باید دانست که هر نادان و

هم میتواند دیگران را مسخره کند

مرد عاقل آنست که مردم مخصوصاً

دستانرا بادیده اغماض بنگرد .

اگر صفت مسخره گوی را پیش

ساخته آید و در عین حال گاهی ش

احترام می گذارند ، دو علت دارد

نیش زبانان می ترسند یا شما را ف

(۱) تمة المنتهی ج ۲ ص ۰۰

ناریخ ابن خلکان ج ۳ ص ۴۴

شده: کسانی که مردم را مسخره میکنند

دبخت و قابل ترحم میدانند زیرا کسی که خود بادت خود دانسته یا ندانسته شمن برای خود می تراشد بدبخت است .

آیا تا کنون به این واقعیت توجه داشته اید که اغلب مردم به منطق و استدلال کار ندارند؟ با اینکه از منطقی پرهیز خوششان می آید و خود را منطقی معرفی میکنند ولی عملاً موجوداتی باطنی و احساساتی هستند که معمولاً شتخوش عواطف و احساسات قرار می گیرند، پس هرگز عواطف و احساسات مردم را جریحه دار ننمائید و به این وسیله خود و منافع خود را در خطر نیفتکنید. مثلاً اگر کاری را سرزنش نموده بدگویی کنید ، بقدری برای او ناگوار خواهد بود که نه تنها به فعالیتش نخواهد افزود بلکه روح پشتکار در او ضعیف گشته در کار ، سستی بیشتری از خود نشان خواهد داد .

رسول اکرم (ص) برای جلوگیری از این عمل فرموده است: زیردستان خود را تحقیر نکنید زیرا اگر کسی مسلمانی را تحقیر نماید بهشت را نخواهد دید مگر اینکه توبه نماید . (۱)

مسخره و سرزنش کردن مردم نوعی بیماری است .

از نظر روانکاوی این موضوع ثابت (۱) خصال ج ۲ ص ۱۵۷

دردندگان با کشتن و دریدن جانداران لذت می برند و این افراد با حمله به شخصیت دیگران و تحقیر و ریختن آبروی مردم گرسنگی روانی خود را اشباع می نمایند پس هر کس مبتلا به این صفت ناپسند باشد باید ریشه آنرا در خود جستجو

در قرآن مجید صریحاً از این عمل والای آنان به این صفت زشت و ناپسند نکوهیده نهی شده است آنجا که می آلوده نمی گردد .

بعلوه انگیزه دیگری نیز این بیماری را افزایش میدهد و آن این است: مسخره نکنید که شاید آنها - که مورد کسانیکه از تحقیر و استهزاء مردم لذت می برند و در آن حال یکنوع شادی و باشند .

و همچنین زنان هم نباید زنان دیگر جنون و روح سبعیت و درندگی بروان را مورد تمسخر قرار دهند زیرا شاید آنها حکم فرماست که این حالت درونی زنانی که مورد استهزاء قرار گرفته اند، بایک سلسله حالات روانی آمیخته شده از ایشان شایسته تر باشند . (۳)

بصورت مسخره و ملامت کردن مردم ظاهر میشود و بقول معروف: «از کوزه برون همان تراود که در اوست .»

دردندگان با کشتن و دریدن جانداران لذت می برند و این افراد با حمله به شخصیت دیگران و تحقیر و ریختن آبروی مردم گرسنگی روانی خود را اشباع می نمایند پس هر کس مبتلا به این صفت ناپسند باشد باید ریشه آنرا در خود جستجو